

بیش معنوی ۷

ع پاشایی

بودا

زندگی بودا، آیین او، و انجمن رهروان او
گزارش متن‌های کانون پالی

نشر نگاه معاصر

فهرست مطالب

- پیشگفتار ویرایش سوم / ۷
- پیشگفتار ویرایش دوم / ۱۱
- پیشگفتار ویرایش اول / ۱۵
- فهرست تصاویر / ۲۳
- کوتاه‌نوشت‌ها / ۲۵
- دِیاجه / ۲۷

نخستین فصل آیین، زندگی، و انجمن

دفتر اول آیین

- ۱ چهار حقیقت / ۳۵
- ۲ راه هشتمگانه‌ی حلیل / ۳۹
- ۳ سیر درون / ۴۷
- نظاره‌ی تن / ۵۰، نظاره‌ی احساس‌ها / ۵۲، نظاره‌ی دل / ۵۲، نظاره‌ی دمه‌ها / ۵۳، پنج حجاب / ۵۳، پنج توده / ۵۳، دوارده‌ی نییاد حس / ۵۴، هفت اندام روشن‌شدگی / ۵۵، چهار حقیقت حلیل / ۵۵، گام هشتم راستی و درستی در یکدلی / ۵۵
- ۴ چهار مقام معنوی / ۶۱
- میثا مهر / ۶۲، گرونا عم‌حوارگی / ۶۳، مؤدیتا، شادی همدلانه / ۶۴، اوپگنا یکسان‌دلی / ۶۵
- ۵ رنجیر علی / ۶۷
- سساره / ۶۷، دمه / ۶۸، رنجیر علی / ۶۹، دوارده حلقه / ۷۱
- ۶ پنج توده و خود / ۸۳
- ۷ سه‌شانه / ۹۳
- ۸ بیروانه داب‌بی‌مرگی / ۹۹

۹ راه بیروانه از رهروی تارھتی / ۱۰۷

دفتر دوم ردگی بودا

۱۰ گرداندن چرخ آیین / ۱۱۷

در کیپله وٲوٲ / ۱۱۷، ار خانه نه بی خانگی / ۱۲۳، حسٲ وحوی حلیل / ۱۲۶، بیداری / ۱۳۱، حسٲتین رورھای بودایی / ۱۳۹، پبح رهرو / ۱۴۲، گفتار سارس گرداندن چرخ آیین / ۱۴۵، شاه‌ی نه- خود / ۱۴۷، نشارٲ آیین و نییاد بهادن انحصم گرویدن یسه و حسٲتین نشارٲ دھدگان آیین / ۱۴۸، مرتاصان گیسوفاٲٲه / ۱۵۴، هدیه‌ی ویلؤونه / ۱۵۶، ساری پوٲٲه و موگٲانه / ۱۵۸، دیدار کیپله وٲوٲ پدیرش حاوادہ‌ی گوٲمه نه انحصم رهروان / ۱۶۲، هدیه‌ی اناٲپیدیکه / ۱۶۳، انؤییا، گروندگان سکیه‌ی بی / ۱۶۶، ریان رهرو / ۱۶۸

۱۱ گسٲرش آیین / ۱۷۱

فصل ناران / ۱۷۱، گفت‌وگوهای بودا کیما و پسیدی شاه / ۱۷۲، نکؤله پیٲار / ۱۷۴، کوسمی و بیشه‌ی سیم‌سپا / ۱۷۶، در میان مردم کؤرؤ، پچاله، و چیتی / ۱۷۸، دیؤدٲٲه و احاٲٲه سٲؤ، نراع در کوسمی / ۱۸۱، در ساؤٲی / ۱۸۷، در کیپله وٲوٲ / ۱۹۶، مرگ اناٲپیدیکه / ۲۰۱، هدیه‌ی ویساکه / ۲۰۱، پسیدی شاه و آحاٲٲه سٲؤ / ۲۰۵، گفت‌وگونا رهروان / ۲۰۹، مرگ ساری پوٲٲه و موگٲانه / ۲۱۲

۱۲ بیروانه‌ی بررگ / ۲۱۵

آحرین سفر / ۲۱۵، مرگ بررگ / ۲۳۶، آحرین سحمان بودا / ۲۴۲، اندکی پس از مرگ / ۲۴۴، آیین سوریدن حسد بودا / ۲۴۵

۱۳ پس از مرگ / ۲۵۱

آنده و آیین و روش / ۲۵۱، مٲها کسٲیه و حسٲتین شورا / ۲۵۲

دفٲر سوم انحصم رهروان

۱۴ انحصم رهروان / ۲۵۹

ار خانه نه بی خانگی رفتن و پیوستن نه انحصم / ۲۵۹، قوایین انحصم / ۲۶۷، ۱ چہار پاراھیکه / ۲۶۷، ۲ سپرده سٲگادی سیسا / ۲۶۷، ۳ دو آیینٲه / ۲۶۷، ۴ سی

آخرین وجود من است؟ / ۳۹۶، دوباره راییده شدن همان تناسخ بیست / ۳۹۶
 سیر درون کوشش درست / ۴۰۱، آگاهی درست / ۴۰۱، سوره‌ی مراقبه‌ی آگاهی /
 ۴۰۱، آگاهی اول تن / ۴۰۲، آگاهی دوم احساس‌ها / ۴۰۳، آگاهی سوم دل / ۴۰۳،
 آگاهی چهارم نموده‌ها یا شاسه‌های دل / ۴۰۴، سوره‌ی کیمیله / ۴۰۸، سوره‌ی پررگ
 پُری بیروانه / ۴۰۹، سوره‌ی اندرر به راه‌وله / ۴۰۹، سمادی یکدلی / ۴۱۱، سوره‌ی
 حس‌ت و حوی حلیل / ۴۱۱، سوره‌ی خلوت‌گریدگان / ۴۱۲، دل / ۴۱۸، آلایش / ۴۲۰، مهر
 / ۴۲۲، پخ بیرو / ۴۲۳، کوشش درست / ۴۲۶، یکدلی / ۴۲۸، فراشاحت / ۴۳۳
 سه نشانه / ۴۳۴، نشانه‌ی اول پبایدگی / ۴۳۵، نشانه‌ی دوم / ۴۳۶، رنج‌بودن / ۴۳۶،
 نشانه‌ی سوم به- خود سوره‌ی نشانه‌ی به- خود / ۴۳۸، سوره‌ی دام قدسی / ۴۴۰،
 سوره‌ی مه‌بایدانه / ۴۴۱، سوره‌ی اول مرد ناموخته / ۴۴۳، سوره‌ی دوم مرد بیاموخته /
 ۴۴۳، سوره‌ی اول راه‌وله / ۴۴۴، سوره‌ی پدر نکوله / ۴۴۴، سوره‌ی همه‌الایش‌ها /
 ۴۴۵، سوره‌ی کوچک سَچَکه / ۴۴۶، سوره‌ی آنده / ۴۴۶، سوره‌ی آنده / ۴۴۷، سوره‌ی
 کیمیکه / ۴۴۸ تهیت / ۴۵۲، پرسش‌های بی‌پاسخ / ۴۵۹، سوره‌ی سیم‌سپا / ۴۵۹،
 سوره‌ی کوچک مالونکیه / ۴۶۰، سوره‌ی کما / ۴۶۲، سوره‌ی آنده / ۴۶۳، سوره‌ی اوتیه
 / ۴۶۴، سوره‌ی وچه گوته / ۴۶۵، سوره‌ی حالیه / ۴۶۶، شساح روشن درناره‌ی ارادی /
 ۴۶۶، بیروانه / ۴۶۸، آن بی‌مرگ، بیافریده، بیامیخته / ۴۸۹

۱۷ ابحم رهروان در سه سد پالی / ۴۹۵

آیین پبحا و اوپه‌سَم‌پدا / ۴۹۵، آیین اوپوسته / ۵۰۱، پاتی‌موکه / ۵۰۲، چهار
 پاراحیکه / ۵۰۵، وسه فصل نازان / ۵۰۶، رهرو سوره‌ی چدویمه / ۵۰۹، سوره‌ی
 دَمیکه / ۵۱۰، سوره‌ی سفر درست / ۵۱۱، کرکدن / ۵۱۲، ارهَب / ۵۱۸، پیش‌بشیی
 سوره‌ی دَمیکه / ۵۱۹، سوره‌ی سینگال‌نوواده / ۵۲۱، ده کمال / ۵۲۴

واژه‌نامه‌ی پالی / ۵۳۱

آوانویسی نام‌ها و مفهوم‌های سسکریب و پالی / ۶۱۹

ارحاعات / ۶۲۵

نمایه‌ی نام‌ها و مفهوم‌ها / ۶۳۱

نمایه‌ی واژگان پالی و سسکریب / ۶۶۳

۱ چهار حقیقت جلیل

به ست بودایی، نخستین گفتار بودا، که به سوره‌ی گرداندن چرخ آیین^۱ معروف است، گفتاری است درباره‌ی رنج و رهایی بودا می‌گوید دو بیراهه هستند که هر دو به رنج می‌انجامد یکی کامرانی و دیگری خودآراری بودا که خود سال‌ها این دو بیراهه را راه می‌پداشته، پس از بودا شدن درمی‌یابد که راه نه آن است و نه این، و به دَمّه‌ی^۲ راه میانه راه می‌یابد، راهی که نه خلاف آن دو بیراهه، شریف و شاد و جلیل است راه میانه، هشت‌گام دارد و نه راه هشتگانه‌ی جلیل معروف است

بودا با پیمودن این راه هشتگانه‌ی جلیل به چهار حقیقت جلیل می‌رسد، که همان داست و شاحس-رنج، حاستگاه رنج، رهایی از رنج، و راه رهایی از رنج است مقصد این راه، بیروانه^۳ است تلاش و کوشش برای رسیدن به بیروانه نا دانش و آرادی همراه است

ایک آن چهار حقیقت جلیل

۱ حقیقت رنج.^۴ بودا می‌گوید «راییده شدن رنج است، پیری رنج است، بیماری

1 *Dhammacakkappavātana Sutta*

۲ *Dhamma* بوداییان آیین بودا را دَمّه / دَمّه می‌نامند دَمّه را در این معنا عالماً آیین می‌گوییم

3 *nirvāna*

4 *dukkha sacca*

ريح است، مرگ ریح است، ار عریران دور بودن ریح است، نا ناعریران^۱ محشور بودن ریح است، به آرو برسیدن ریح است سحن کوتاه، همه‌ی پنج توده‌ی دلستگی^۲ ریح اند « ۲ حاستگاه ریح^۳ » حاستگاه ریح، تشگی^۴ است، یعنی تشگی کام،^۵ تشگی هستی،^۶ و تشگی بیستی،^۷ و همیس تشگی است که نه دوناره راییده شدن^۸ می برد و سته نه کامرانی است « هر چیر حاستگاهی دارد، و حاستگاه ریح، تشگی است، یعنی حوشی و آری که مایل به این حا و آن حاست هر چیر که در حها حوشاید و عریر و لدت آورست، تشگی ار آن حا پیدا می شود، حاستگاه ریح آن حاست چشم شکلی را می بید، گوش صدایی را می شود، بیسی بویی را می بوید، رنان مره‌یی را می چشد، تن چیری را لمس می کند، دل،^۹ نه چیرها می اندیشد و آن‌ها را می شناسد چشم و شکل‌ها، گوش و صداها، بیسی و بوها، رنان و مره‌ها، تن و چیرهای لمس شدنی، دل و شناسه‌ها،^{۱۰} یا نمودهای شاحتی ار هر یک ار این‌ها یک تشگی پیدا می شود تشگی نه شناسه‌های حسی، یعنی نه موضوعات حواس، کامرانی یا تشگی کام خوانده می شود تشگی هستی و تشگی بیستی را گوناگون شرح کرده‌اند اگر تشگی کام این اندیشه همراه باشد که هر آن چه نه حس می آید هستی پاینده دارد، و هم ار این رو کام‌ها پاینده‌اند، این را تشگی هستی می خواند نه بیان دیگر، آرووی رنگی پاینده تشگی هستی خوانده می شود این تشگی سستی بر دیکگی نا نظری دارد که نه نظریه‌ی حاویدی^{۱۱} معروف است، یعنی عقیده نه یک هستی مطلق و حاوید روان، یا رنگانی، یا خود که مستقل ار تن هستی خواهد داشت نه سحن بودا، دانش درست این دانش است که همه‌ی شناسه‌های حواس پاینده‌اند، یعنی شکل‌ها، صداها، بوها، مره‌ها، لمس‌ها و شاحتی‌ها همه پاینده‌اند اگر این پایدگی نا این پندار ناراست و نادرست نیامیرد که هر چه پاینده است برچیدی است، این را تشگی بیستی می خواند، و

۱ عریر و ناعریر معی همه‌ی چیرهای حوش و ناحوش، حوشاند و ناحوشاند

۲ ← ص ۵۳

3 dukkha samudaya

4 tanhā

5 kāma-tanhā

6 bhava tanhā

7 vibhava tanhā

8 ☸ Pono bhavikā

۹ mano یا mano حان، مش

۱۰ شناسه برای object، معی آن چه که « شناسه‌گر » (subject)، معی شناسنده، آن را می شناسد؛ نمود شاحتی؛

موضوع شاحتی؛ چیر، شیء

11 sāssata ditthi یا bhava-ditthi

این سستگی دارد نه بطریقه‌ی بیستی^۱ یعنی این نظر یا عقیده که خود، یا روان، به هنگام مرگ برچیده می‌شود، یعنی بیست و نابود می‌شود بودا می‌گوید «به راستی نزد کسی که چنان که هست و نا دانش کامل به حاستگاه جهان می‌نگرد، در جهان، بیستی^۲ نیست^۳ و نزد کسی که آن را چنان که هست و نا دانش کامل، آرادی ار [= ایست] جهان را می‌بیند، در جهان، هستی^۴ نیست این جهان، چون بیک نگری، پشتواری^۵ است که نا نزدیک شدن، گرفتن، و دل سست بسته شده است» (SN I 15)^۶

۳ رهایی از ریح «رهای^۷ از ریح همان خاموشی تشنگی است [یعنی] رها کردن آن، روگرداندن از آن، آرادی و وارستن از آن است تا نشانی از آن به‌حما ماند» چون تشنگی از هر آن‌چه به حس می‌آید، یعنی شاسه‌های حواس، پیدا می‌شود، رهایی از آن هم در حویشتن‌داری و نگهداری درهای حواس است «حس بیایی، شکلی را می‌بید، ولی رهرو میلی به آن نمی‌کند و قصدی درباره‌ی آن ندارد چون آر و بومیدی و اندیشه‌های بد به کسانی چیره می‌شوند که پاسان بیایی خود بیستند، رهرو می‌کوشد که پاسان بیایی خود باشد، وقتی که رهرو نا حس شوایی خود، صدایی می‌شود نا نویایی، نوی حوش احساس می‌کند، نا چشایی، شیرهی را می‌چشد، نا لامسه، چیری را لمس می‌کند، نا اندیشیدن، چیری را می‌شاسد، میلی به آن‌ها نمی‌کند و قصدی درباره‌ی آن‌ها ندارد چون آر و بومیدی و اندیشه‌های بد به یکسانی چیره می‌شوند که پاسان حواس خود بیستند»^۸ «رهرو نا چیرگی قدسی به حواس از تشنگی رهایی می‌یابد و خواهدگی او خاموش می‌شود»

۴ راه رهایی از ریح «این راه همان راستی و درستی در شاحت، در اندیشه، در گفتار، در کردار، در ریست، در کوشش، در آگاهی و در یکدلی^۹ است» که همان راه هشتگانه‌ی حلیل است، که پس از این آورده خواهد شد

1 uccheda ditthi

2 natthitam

۳ یعنی، واقعیت هست؛ جهان واقعی است

4 atthitam

5 nibbandho

6 VBB 476

۷ nirodha در اصل به معنی است، بوقف، قطع و انقطاع است

۸ هومس ۱۳۴۱ ۶۰

9 samādhi